



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم - 11 / اردیبهشت / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به همه برادران و خواهران عزیز، بخصوص خانواده های معظم شهیدان و همچنین دوستان، برادران و خواهرانی که از راههای دور و شهرهای دیگر تشریف آورده اند، خوشامد عرض می کنم. به نظر من این جلسه، جلسه بسیار باعظمتی است؛ چون دو قشر معلم و کارگر با عظمتند. معلمان امروز و معلمان فردا، مرشدان و راهنمایان نسل ما هستند و کارگران، پایه ها و استوانه های اساسی پیشرفت کشورند. بنابراین جمع شما از نظر من یک جمع برجسته و ممتاز است.

روز کارگر و روز معلم - یعنی یازدهم و دوازدهم اردیبهشت - از جهات مختلف حقیقتاً باید از روزهای برجسته و ممتاز شناخته شود. ما حرفهای زیادی با شما و ملت عزیزمان داریم. یک ماه است که من به خاطر ابتلا به کمردرد و عوارض جسمی این چینی، توفیق پیدا نکرده ام تا با مردم عزیزمان صحبت کنم. حرفهای متراکمی وجود دارد و شما بهترین مخاطبان هستید.

مسائل فراوانی قابل طرح است؛ هم مسائل داخل کشور، مثل اهمیت مسأله کار و کارگر و جامعه کارگری؛ هم مسأله معلمان و مسائل گوناگون دیگری که آگاهی مردم عزیز ما از اینها لازم است. ملت ما ملتی است که تاکنون با نیروی آگاهی خود حرکت کرده است. وقتی ایمان با آگاهی همراه شد، معجزه می کند. دشمنان ما هر جا توانستند، از ناآگاهیها استفاده کردند. مسائل جهان اسلام هم مسائل مهمی است. تصوّر نشود که مسائل جهان اسلام، مسائل فلسطین و مسائل خاور میانه، با مسائل داخلی و سرنوشت ما ارتباطی ندارد. امروز مسائل جهانی در هم تنیده است و مسائل ملتها به هم مرتبط است. سیاستهایی که در دنیا مشکلات ملتها را طراحي می کنند، در پیشرفت اهداف و اغراض خود، این ملت و آن ملت را نمی شناسند. برای هر کدام از این مسائل، در حدّ فرصت و وقت، چند جمله ای عرض می کنیم.

مهمترین مسأله در مسائل خارجی ما - که به مسأله کنونی کشور ما هم ارتباط مستقیم دارد - فلسطین است. مسأله فلسطین فقط مسأله یک ملت نیست؛ مسأله حاکمیت دیکتاتوری بین المللی و حاکمیت زور است. شما ببینید امروز در اراضی فلسطین چه می گذرد! امروز ما فاجعه بارتترین حوادث خونین را در فلسطین شاهدیم. دولت غاصب و جعلی اسرائیل با نیروی نظامی خود، با تانک و هواپیما و آتش بیرحمی و ظلم خود، شهرهای فلسطین را محاصره کرده است و یکی پس از دیگری وارد این شهرها می شود؛ مردم را قتل عام و خانه ها را ویران می کند؛ یک روز رام الله، یک روز نابلس، یک روز جنین و امروز الخلیل و شهرهای دیگر. فاجعه هایی که در این شهرها به وجود آمده است، قابل وصف نیست. نیروی نظامی وارد شهری شود، زن و مرد و کودک را دستگیر کند و بکشد و یا زخمی کند! ده هزار مجروح و هزاران شهید در این شهرها امروز وجود دارد. هزاران جوان را از خانه هایشان ربودند و به نقاط نامعلوم بردند و خانه های بی شماری را ویران کردند. شنیدم در شهر جنین، هفتاد درصد خانه ها ویران شده است! هفتاد درصد خانه های یک شهر را تانکها بیابند ویران کنند! این جنایات، مقابل چشم بشریت است.

معنای این کارها چیست؟ معنای این کارها این است که یک دولت ظالم بی اعتنایی به همه مقررات بشری، انسانی، دینی و خدایی، به خاطر طمعها و ادامه ظلم چندین ده ساله خود، این فاجعه ها را به بار می آورد؛ دولتی هم مثل امریکا به طور کامل و صددرصد از او حمایت می کند و همه شعارهای حقوق بشر و دفاع از ملتها و دموکراسی و آزادی و همه و همه فراموش می شود. وجدان جهانی به حرکت درآمد، اما وجدان سران امریکا و کاخ سفید اندک تأثیری هم



پیدا نکرد!

اینها می خواهند دو چیز را برای دنیا مشخص کنند: یکی این که این غده سرطانی به هر قیمتی باید بماند؛ دوم این که می خواهند به دنیا بگویند و تفهیم کنند که امروز سرو کار شما با اعمال زور است و می خواهیم زور بگوییم؛ هر کس هم هر چه می خواهد بگوید، بگوید؛ یعنی مردم دنیا را قانع کنند که هیچ حرف و هیچ اقدامی در مقابل زور سرنیزه و زور نظامی آمریکا قادر به هیچ کاری نیست.

البته تا الان شکست خورده اند و علی رغم همه این تظاهرات قدرتمند، به هدفهای خود نرسیده اند. چرا؟ چون فلسطین تسلیم نشده است. آنها می خواهند با فشار و کشتار و بیرحمی و لگدکوب کردن همه نشانه های انسانی، ملت فلسطین را وادار به تسلیم کنند و این ملت در بست زیر بار آنها برود و از خواسته های بحق خود دست بردارد؛ اما تاکنون نتوانسته اند. برخلاف تصور آمریکا و اسرائیل، این قدرت زور نیست که پیش می رود؛ قدرت اراده و ایمان انسانهاست که حرف آخر را در همه مسائل می زند؛ در این مسأله هم همین طور است.

برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می شود، دو راه علاج وجود دارد. این دو راه علاج اجتناب ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند:

راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است، که بحمدالله تاکنون ایستاده اند. اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. این که یک مرد، یک جوان، یک پسر و یک دختر حاضر می شود برای منافع و مصالح ملت و دینش جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهامت است. این همان چیزی است که دشمن از آن می ترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور آمریکا گرفته تا همه کسانی که در سراسر دنیا در خط آمریکا کار می کنند و حرف می زنند، سعی کردند با شماتت و ملامت و فلسفه بافی، عملیات استشهادی را متوقف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت یک ملت و اوج حماسه است. آن جایی که یک نیروی نظامی با کمال فداکاری از میهن خود دفاع می کند، مگر عملیات استشهادی نیست؟ آن جایی که یک ارتش ظالم و ستمگر به یک کشور تجاوز می کند و مردم آن کشور در مقابل آن ارتش می ایستند، مگر آن جا عملیات استشهادی نیست؟ کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در چشم انسانهای باوجدان و باانصاف بکاهد؟ عملیات استشهادی، اوج عظمت آنهاست. حالا عده ای بنشینند برای خودشان بگویند و بنویسند و ملتی را که پنجاه سال است به خاطر کوتاهی گذشتگان و به خاطر عدم توجه نسل قبلی خودش به منافع بلند مدت، الان مجبور است با جان خود به میدان بیاید تا حقوق خود را زنده کند، ملامت کنند؛ مگر این در حال آن ملت تأثیر دارد؟ ملت فلسطین، زنده و بیدار است و پیش می رود.

راه دوم، حمایتهاست. همه دنیا باید از اینها حمایت کنند. البته ملتها حمایت کردند. در اروپا هم ملتها حمایت کردند، دست به راهپیمایی زدند و با انواع و اقسام راهها و شیوه ها، خواست قلبی خود را نشان دادند. حتی در داخل کشور ایالات متحده آمریکا هم این حمایتها ابراز شد. بعد از این هم این چیزها ادامه خواهد داشت؛ لیکن دولتها باید به وظیفه خود عمل کنند. از همه واجبتر، دولتهای اسلامی و بالاخص دولتهای عربی هستند.

این مسأله قطع یکماهه نفت که ما گفتیم، یک مسأله اساسی است. با این مسأله نمی شود سطحی برخورد کرد. البته یک مسأله نمایشی هم نیست که دولتی تنها بایستد و بگوید من نفت خود را قطع می کنم؛ معلوم نیست چه طوری قطع می کند یا نمی کند. این یک مسأله جدی و واقعی است و باید همه تصمیم بگیرند.

آمدند گفتند که قطع نفت به ضرر کشورهای قطع کننده است؛ در حالی که این طور نیست؛ این خطای در محاسبه است. قطع نفت به ضرر ملتها نیست؛ به سود آنهاست. همین الان شما می بینید در نوسانات قیمت نفت، چند صباح قیمت به بیست و چهار دلار، بیست و پنج دلار می رسد؛ اما بعد از چند روز به پانزده دلار، شانزده دلار کاهش پیدا می کند. از بالا رفتن و پایین آمدن قیمتها ملتها این همه ضرر می بینند؛ چون اختیار در دست دیگران است. با قطع یک



ماه نفت، این قدرت تصمیم‌گیری در ملتهای اسلامی آشکار خواهد شد. ملتها و دولتهای اسلامی نشان می‌دهند که می‌توانند علیه دیکتاتوری بین‌المللی و علیه خواست زورگویانی که فقط به سرنیزه متکی هستند، اقدام کنند. باید این کار را بکنند؛ این اجتناب‌ناپذیر است.

البته بعضی از دولتها مواضع خوبی اتخاذ کردند. دولت سوریه و دولت لبنان شجاعانه ایستادند؛ مواضعشان، مواضع خوبی است؛ لیکن همه دولتهای عربی، همه دولتهای اسلامی و دولتهای صادرکننده و تولیدکننده نفت باید به این وظیفه تاریخی خود اهمیت دهند. تاریخ در آینده روی این اقدامهای تعیین‌کننده قضاوت خواهد کرد؛ امروز هم ملتها قضاوت می‌کنند. امروز ملتها بر این اساس نسبت به دولتهای خود و نسبت به صداقت و دلسوزی و پاکدامنی آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.

البته این یکی از راههای کمک است و راه بسیار مؤثری است. راههای کمک دیگری هم وجود دارد؛ ملتها کمکهای مالی کنند. همان طور که در نماز جمعه به مردم خودمان و دیگر ملتها عرض کردیم، باید کمک کنند. باید از این مردم مظلومی که از وطن خود، از دین خود، از بیت المقدس و از هویت یک ملت اسلامی دفاع می‌کنند و می‌خواهند تداوم نفوذ استکبار را در این منطقه قطع کنند، دفاع کرد. دولتهایی هم که همسایه فلسطینند، همچنین نیروهای مردمی و مقاومتها و دیگران، باید دفاع کنند و دفاع هم می‌کنند. هر کس بتواند به آنها کمک کند، باید این کار را بکند؛ این وظیفه همه است.

دولت امریکا با همه ادعاهای دهان‌پرکنی که تبلیغات و رسانه‌های وابسته به او به طور دائم در زمینه لزوم رهبری جهان و حقوق بشر و غیرذلک بر زبان می‌آورند، پشت سر دولت اسرائیل ایستاده است. واقعاً انسان از تصوّر وقاحت و بی‌شرمی بعضی از دولتمردان مستکبر عالم به تعجب وادار می‌شود! این را دفاع از عدالت می‌دانند؛ کسانی که معنای عدالت را نمی‌فهمند. دولت امریکا معنای عدالت را درک نمی‌کند. کدام کار اینها با عدالت همراه بوده است؟ این جنایات را یک جنگ عادلانه و جنگ با تروریسم به حساب می‌آورند؛ در حالی که از فجیعترین کارهای تروریستی آشکارا دفاع می‌کنند. واقعاً پیشانی بشریت از شرم عرق می‌کند.

البته امروز امریکاییها به خاطر این رفتار نامعقول خود در دنیا از چشم ملتها به کلی افتاده‌اند و منفور شده‌اند و نفرت دل‌های پاک و وجدانهای سالم را در همه دنیا به خود جلب کرده‌اند. هر دولتی که این مواضع بحق را بگیرد، از نظر دولت امریکا مطرود است. بغض آنها نسبت به جمهوری اسلامی، به خاطر حقیقت‌جویی جمهوری اسلامی است؛ چون تحت تأثیر ترس قرار نمی‌گیرد؛ از امریکا نمی‌ترسد؛ راه و اراده خود را قربانی خواست و اراده سردمداران امریکا نمی‌کند و استقلال خود را از دست نمی‌دهد. در گذشته وقتی می‌خواستند علیه جمهوری اسلامی حرف بزنند، شعار می‌دادند که این جا حقوق بشر رعایت نمی‌شود. امروز همه چیز برعکس شده است و معلوم است علت مخالفت آنها با جمهوری اسلامی چیست؛ چون جمهوری اسلامی تسلیم منطق زور و قلدری آنها نشده است و نخواهد شد. مواضع جمهوری اسلامی، واضح و روشن و صددرصد منطقی است؛ همین مواضعی است که مسؤولان کشور بارها بر زبان آورده‌اند؛ رئیس‌جمهور محترم هم در همین روزها مکرراً در مقابل چشم ملتهای دیگر و مجامع بین‌المللی، آنها را تکرار کرد و بر زبان آورد. اگر شما در دنیای اسلام حرکت کنید، خواهید دید این مواضع در دل یکایک آحاد ملتها مورد تمجید و ستایش است؛ ملتها حق طلبند.

بنای استکبار و زورگویی در عالم این است که همه دولتها و به تبع آنها همه ملتها را وادار کند تا منطق زور و ظلم و بی‌انصافی او را بپذیرند و از همان راه حرکت کنند. بنای عالم را بر ظلم گذاشتند و می‌خواهند به نفع کمپانیها و سرمایه‌داران بزرگ و گردانندگان صهیونیستی و غیرصهیونیستی منابع مالی بزرگ دنیا و علیه ملتها، عالم را اداره کنند و توقع دارند همه دولتها و ملتها از این مواضع پیروی کنند. مگر چنین چیزی می‌شود؟ ممکن است بعضی از دولتها به خاطر منافع شخصی مسؤولان خود تسلیم شوند؛ اما دولت و ملتی که به نام اسلام سخن می‌گوید، به نام



استقلال و هویت ملی خود موضع می گیرد و حق می گوید و دنبال حق می رود، مگر ممکن است تسلیم شود؟ الان ورد و ذکر عده ای مذاکره با امریکا شده است! چه مذاکره ای؟! می گویند با امریکا مذاکره کنید تا موزیگری نکند؛ فشار وارد نیاید؛ تهدید نکند و منافع ملی ما را رعایت نماید. مگر کشورهایی که امروز مورد تهدید امریکا هستند - غیر از جمهوری اسلامی - با امریکا مذاکره نمی کنند؟ مگر آنها با امریکا رابطه ندارند؟ مذاکره و رابطه، مانع فشار آوردن و تهدید کردن و بدجنسی کردن و افزون طلبی نیست؛ مذاکره مشکلی را حل نمی کند. دولت امریکا صریحاً با نظام اسلامی، هویت اسلامی و ایمان اسلامی مردم ما اعلام مخالفت کرده است. علتش این است که اسلام موجب شده تا این ملت در مواضع خود مستقر و ثابت باشد و پابرجا بایستد و تسلیم آنها نشود. هدف امریکا این است که سیطره خود را که در دوران رژیم منحوس پهلوی - بخصوص در سی سال آخر آن رژیم - بر همه جای کشور گسترده بود، دوباره برقرار کند. معلوم است که ملت ایران بعد از این انقلاب عظیم، بعد از این همه فداکاری و قهرمانی و بعد از این همه شهادتها، تسلیم چنین زورگویی نخواهد شد. نخیر، مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی کند. مذاکره با امریکا، البته برای دولت امریکا مفید است. با مذاکره، او جای پای پیدا می کند تا بتواند خواسته های خود را بیشتر تحمیل کند و توقعات خود را انبوهتر بر سر این ملت و دولت بریزد. مذاکره موجب می شود که دولت امریکا بتواند همین تهدیدهایی را که الان از دور می کند، همین توقعات بیجا و قلدرانه ای را که در مصاحبه ها و سخنرانیها می گوید، پشت میز مذاکره، با حجم بیشتر و با قدرت چانه زنی بیشتر، بر سر مسؤولان کشور ما بریزد. معنای مذاکره این نیست که امریکا حاضر باشد هویت این ملت را، نظام جمهوری اسلامی را، ایمان این مردم و مواضع آنها را به رسمیت بشناسد. آنها با این اساس مخالفند؛ آنها با حضور این مردم مؤمن مخالفند؛ آنها دنبال این هستند که همان روشهایی را که در دوران حکومت پهلوی اعمال می شد - همان فساد، همان تسلط و همان قاهریت - دوباره در این مملکت ایجاد کنند. این که با مذاکره حل نمی شود. مگر این ملت اجازه خواهد داد که مسؤولی در این کشور - از رهبری گرفته تا همه مسؤولان - از مواضع اسلامی و منافع اساسی سرنوشت سازش یک قدم عقب بنشینند؟

ما نباید ضعفهایی خود را به پای این ملت بگذاریم. این ملت، قوی و زنده و مؤمن است؛ جوانان ما مؤمن هستند؛ قشرهایی مختلف این کشور، قدر این انقلاب و این نظام مردمی را می دانند. با تبلیغات دشمن که مرتب بگوید این نظام تحمیلی است، این نظام مردمی نیست؛ اگر هر کس دیگر در دنیا باور کند، این مردم که خود می بینند در این مملکت چه می گذرد؛ می بینند که این نظام، متکی به رأی و عاطفه و ایمان و اراده مردم است. چنین نظامی، مستحکم است. این نظام، نظامی نیست که تهدید فلان قدرت و فلان مقام، اخم کردن فلان رئیس جمهور یا فلان سیاستمدار بتواند آن را تکان دهد و متزلزل کند. راه علاج، ایستادگی ملت و دولت در مقابل فزونخواهی امریکا و طمع ورزی هر قدرت دست انداز و مستکبری است. یک روز در دنیا دو قدرت بزرگ بودند - امریکا و شوروی - هر دو هم با ایران مخالف بودند - در جنگ تحمیلی - مخالف بودند؛ اما جمهوری اسلامی به هیچکدام باج نداد؛ روی پای خود ایستاد و به مقاصد خود رسید و هیچ کس هم نتوانست هیچ غلطي بکند. بعد از این هم همین خواهد بود. ملت ما، ملت زنده و بیدار و آگاهی است.

بهترین کاری که مسؤولان و دست اندرکاران بخشهایی مختلف کشور می توانند بکنند، این است که به این ملت خدمت کنند. الان مسائل گوناگون قشرهایی مختلف - قشر معلمان و قشر کارگران - مطرح است. قشرهایی دیگر هم هر کدام مطالباتی دارند. ببینید عزیزان من! این ملت ثروتهای فراوانی دارد؛ ثروت مادّی دارد، ثروت زیرزمینی دارد، ثروت انسانی دارد که از همه اینها بالاتر است. ما دهها میلیون جوان داریم، که این یک ثروت بسیار عظیم است؛ ما استعدادهایی برجسته داریم. آن مجموعه ای که بتواند از این استعدادها استفاده کند و آنها را در راه مصالح ملی به کار بیندازد، بزرگترین خدمت را به این کشور کرده است.



ما هیچ احتیاجی به بیگانه نداریم. البته ما با همه دنیا ارتباط داریم؛ ما درهای اقتصاد و تحرکات گوناگون کشور را بر روی ملتها و کشورهای دیگر نبسته ایم؛ ما از تجربه‌ها استفاده می‌کنیم و مبادلات داریم؛ اما بر اصول و ارزشها و مصالح ملی و هویت اسلامی این ملت تکیه می‌کنیم. این نباید مورد تهدید قرار گیرد؛ این رمز قدرت ماست. دشمن می‌خواهد عناصر اقتدار را از درون این کشور بگیرد؛ ملت را بی‌دفاع کند؛ ایمان و فهم و آگاهی را بگیرد؛ مراکز اساسی نظام جمهوری اسلامی را بی‌اثر و خنثی نماید تا اگر یک وقت خواست به این ملت تعرض کند، این ملت نتواند از خود دفاع کند. بعکس، ما باید بر ارزشها و مواضع و مصالح ملی خود پافشاری کنیم.

امروز مسأله اقتصاد کشور از مسائل بسیار مهمی است که باید همه مسؤولان به آن بپردازند. من در مورد مسأله اشتغال بارها مطالبی را گفته‌ام. البته مسؤولان تلاش می‌کنند؛ من می‌توانم این را با اطمینان کامل به شما بگویم. رئیس‌جمهور محترم در هیأت دولت و جمعهای گوناگون دیگر، در این زمینه تلاش و پیگیری می‌کنند. در همه رده‌ها و همه بخشها باید همین خط دنبال شود. راه رسیدن این ملت به هدفهای والای خود، کار خستگی‌ناپذیر و مخلصانه و خالصانه مسؤولان کشور است؛ چه دولت، چه مجلس شورای اسلامی، چه بقیه بخشهایی که به این کارها ارتباط دارند و می‌توانند در این تصمیمها تأثیری بگذارند.

ما احتیاج داریم که جامعه معلمان ما - همان طور که وزیر محترم اشاره کردند - جامعه‌ای باشد که بتواند با خیال آسوده و فارغ از دغدغه‌های گوناگون، به امر تعلیم و تربیت بپردازد. ما احتیاج داریم که کارگران ما مورد ارزشیابی درست قرار گیرند و همه بفهمند که قوام پیشرفت کشور بر روی استوانه‌هایی است که یکی از مهمترین آنها، قشر کارگر است؛ کارگر کاردان، مؤمن، وظیفه‌شناس؛ کارگری که اگر به او کاری سپرده شده است، می‌خواهد آن را به بهترین وجه انجام دهد؛ کارگری که جزو ارزشمندترین عناصر یک جامعه است. این دو قشر و قشرهای گوناگون دیگر، هر کدام خواستها و نیازهایی دارند که باید در حد امکانات و مقدرات کشور - ما توقع زیادی هم از مسؤولان نداریم - به آنها رسیدگی شود.

باید اسراف نشود. هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی و زیادی، حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه‌های عملی زندگی مردم ارتباطی ندارد، یک کار مسرفانه است. این که بعضیها فضای کشور را آن قدر سیاسی کنند که مسائل اصلی کشور تحت الشعاع قرار گیرد، یک غفلت بزرگ است. البته گروه معدودی این غفلت را عمدتاً انجام می‌دهند؛ آنها خیانت می‌کنند؛ یک عده هم غفلت می‌کنند. هر روز مسأله سیاسی جدیدی را در کشور ایجاد کردن - به مجلس شورای اسلامی نگاه می‌کنیم، یک طور؛ به مجموعه‌های گوناگون دیگر نگاه می‌کنیم، یک طور - و ذهنها و فکرها را از کاری که باید برای مردم انجام گیرد، منصرف کردن، هیچ مصلحت نیست. همه باید ذهنهای خود را به کارهایی که برای پیشرفت و حل مشکلات کشور لازم است - مسائل معیشتی مردم، مسائل اقتصادی مردم، مسأله اشتغال - منعطف کنند. دستگاهها باید به هم کمک کنند و این کارها را انجام دهند. کار صورت می‌گیرد، اما باید شتاب بیشتری پیدا کند و همه جانبه شود.

باید از شعارهای انحرافی پرهیز شود. عده‌ای اصلاً کأته مزد گرفته‌اند برای این که ذهن مسؤولان کشور را از کارهای اصلی منصرف کنند و به جای دیگری ببرند؛ متأسفانه بعضی از مطبوعات هم در این زمینه خیلی تأثیر دارند. هر چیزی را می‌نویسند، برخلاف ایمان و اعتقادات و مصالح مردم و برخلاف واقعیت می‌نویسند و آزادانه منتشر می‌کنند؛ آخرش هم داد می‌کشند که آزادی نیست! از آزادی استفاده می‌کنند برای این که به دروغ ادعا کنند آزادی نیست! اگر آزادی نیست، پس این همه فریادهایی که می‌کشید، این همه شایعه‌پراکنی و دروغگویی در مطبوعات و دستگاههای مختلف چیست؟! البته ما از این اظهارات بیمی به دل راه نمی‌دهیم؛ این ملت، ملت مؤمنی است.

سعی کردند جامعه کارگری را از کارش منصرف کنند؛ سعی کردند خواستهای بحق معلمان را سیاسی کنند؛ سعی



کردند جامعه معلمان را به ایستادگی در مقابل نظام وادار کنند؛ اما نتوانستند و باز هم نخواهند توانست. معلمان و کارگران ما مؤمن و متعهدند و از اول انقلاب بارهای سنگینی را بر دوش گرفته و تحمل کرده اند. در طول سالهای گذشته هم بارها دشمن خواسته است از احساسات اینها سوءاستفاده کند؛ اما بحمدالله نتوانسته و ایستادگی و آگاهی و ایمان این قشرها، به سینه نامحرم زده و دشمن را عقب نشانده است و باز هم همین طور خواهد بود. مسؤولان باید این را احساس کنند و قدر بدانند.

مطبوعات هم سعی نکنند فضا را تیره و تار نشان دهند. یک وقت تذکر به دولت و تذکر به مسؤولان و نصیحت کردن است، اینها خوب است؛ اما یک وقت تیره و تار جلوه دادن افق و فضاست، این بد و خطاست. اگر عمداً صورت گیرد، خیانت است. فضا و افق آینده کشور، تیره و تار نیست؛ روشن است. ملت ما زنده و بیدار و عازم و مصمم است و مسؤولان ما علاقه مند و وظیفه شناس و خودی اند. اگر چند صباحی در گوشه ای در رده های دوم یا سوم، آدمهای نامطمئن و غریبه ای هم باشند، باید با آنها برخورد شود؛ باید خود مسؤولان و دستگاههای مختلفی که مسؤولند، با آنها برخورد کنند.

از خداوند متعال می خواهیم این ملت را آن چنان که شایسته اوست، مشمول رحمت و برکت خود قرار دهد؛ هدایت و برکات خود را بر این ملت نازل کند؛ توجهات حضرت بقیةالله ارواحنا فداه را روزبه روز و بیشتر از پیش شامل حال ما گرداند و ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار دهد. از خداوند متعال می خواهیم درجات امام بزرگوار و شهدای گرانقدر ما را روزبه روز متعالیتر فرماید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته